

## A Critique on the Book “*近世の三大改革*” “*The Great Triple Reform in Early Modern Japan*”

Ali Golmohammadi\*

### Abstract

What contradictions and crises made the Shogunate take countermeasures in the form of three major reforms (Kyōhō, Kinsei, and Tenpō) in early modern period Japan (Kinsei)? The author’s critical study of the topic focused on the appellation “three major reforms,” their renown and confinement to three periods by the Shogunate, and the explanation is within the two historical perspectives of “Good and Bad Governance Alternation” and “Tension and Relaxation.” Expressing his own definition of “reform,” and some examples in each period, the author tries to criticize fairly the bad governance and its instances. The book provides its Iranian readers with new and informative content. The book review is aimed at explaining the reforms and highlighting the significance of the reforms’ socio-political potential in Japanese modernization and also stressing the importance of the historical period, which was unintentionally neglected by the writer and suggesting Thomas Spragens’s theory of crisis as an alternative for a better analysis. A thorough study of the Shogunate’s akin and appointee reformers needs a political theory rather than a historical one. Focusing on governmental reform to prevent the dissolution of the system hindered the author’s attention to the nature of the reform and the important consequences.

**Keywords:** Japan, Early Modern Period (Kinsei), Three Major Reforms, Good and Bad Governance, Shogunate

---

\* Associate Professor in Japanese Studies, Faculty of World Studies, University of Tehran, Tehran, Iran, Golmohammadi.a@ut.ac.ir

Date received: 2019-09-15, Date of acceptance: 2020-03-01

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



## بررسی و نقد کتاب *近世の三大改革*<sup>۱</sup> (اصلاحات بزرگ سه‌گانه در دوره مدرن آغازین ژاپن)

علی گل محمدی\*

### چکیده

در دوره مدرن آغازین (پیشامدرن) ژاپن چه بحران‌ها و تضادهایی موجب واکنش نظام شوگوئی<sup>۲</sup> در قالب «اصلاحات بزرگ سه‌گانه» شد؟ نویسنده با رویکردی انتقادی به وجه تسمیه و شهرت اصلاحات مهم این دوره می‌پردازد و هم‌چنین حصر آن به سه بازه زمانی ازسوی نظام حاکم در چهارچوب دو نظریه هم‌راستای «دیدگاه تاریخی تناوب حکم‌رانی خوب و بد» و «دیدگاه سختی و آسایش» اصلاحات این برهه تاریخی را تشریح می‌کند. مؤلف با تبیین مراد خود از اصلاحات و نمونه‌های آن در هر دوره اصلاحی تلاش می‌کند تا نقدی منصفانه از مصادیق و اقدامات حکم‌رانی بد ارائه دهد. محتوای این اثر حاوی اطلاعات مفید و کم‌تر مطرح‌شده‌ای از این دوران برای مخاطب ایرانی است. هدف از بررسی و نقد این اثر تشریح این اقدامات اصلاحی و نشان‌دادن اهمیت پتانسیل سیاسی - اجتماعی نشئت‌گرفته از آن‌ها در نوسازی ژاپن و هم‌چنین تبیین اهمیت جایگاه تاریخی این دوره که ازسوی مؤلف مغفول واقع شده و تحلیل این اصلاحات با پیش‌نهاد نظریه بحران است. بررسی دقیق عملکرد مجریان اصلاحات (سیاست‌مداران متصب و منتسب به نظام حاکم) به‌رغم بستر تاریخی مستلزم کاریست نظریه‌ای سیاسی است. خاستگاه دولتی اصلاحات و مجریان آن و حفظ نظام از فروپاشی استنتاج نویسنده از بحث و غفلت از ماهیت و نتایج آن‌هاست.

**کلیدواژه‌ها:** ژاپن، دوره مدرن آغازین (کین‌سی)، اصلاحات بزرگ سه‌گانه، حکم‌رانی خوب و بد، نظام شوگوئی.

\* استادیار رشته مطالعات ژاپن، دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران، Golmohammadi.a@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۲۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۱۱

## ۱. مقدمه

نوسازی ژاپن، به‌ویژه از منظر پژوهش‌گران حوزه توسعه، از جمله جذابیت‌های مطالعه این کشور محسوب می‌شود. در این میان، به نظر می‌رسد که شیفتگی محققان به اقدامات اصلاحی دولت مدرن میجی (Meiji / 明治) به‌عنوان نقطه عزیمت ژاپن در مسیر نوسازی موجب غفلت آن‌ها از توانایی‌های بالقوه جامعه پیشامدرن این کشور در پیمودن سریع این فرایند گذار باشد.

یک‌سان‌نگاری و قیاس غلط دوره‌های تاریخی غرب به‌عنوان خاستگاه انقلاب صنعتی با ژاپن را می‌توان یکی از علل مغفول‌واقع‌شدن دگرگونی‌های اجتماعی این کشور پیش از ورود به عصر جدید دانست. دوگانه‌های جذاب مکتب نوسازی و تقابل‌سازی‌هایی هم‌چون مدرنیته در برابر سنت با پیش‌زمینه‌ای از دوران نوزایی (رنسانس Renaissance) اروپا به‌عنوان دوره گذار از قرون وسطی به دوران جدید تسهیل‌گر سپید و سیاه‌نمایی از عصر مدرن ژاپن و دوره پیش از آن است. وجود شباهت‌هایی میان جامعه فئودالی اروپای سده میانه با جامعه شبه‌فئودالی ژاپن در دوره پیشامدرن لزوماً به‌معنای هم‌سانی آن‌ها نیست. به نظر می‌رسد این دوره تاریخی از ژاپن، که مشحون از پیش‌رفت‌های نوآورانه اجتماعی در قالب اقدامات اصلاحی است، اوج تبلور یک جامعه سنتی پیش از ورود به عصر نوین باشد که نوسازی آن پس از مواجهه با غرب مرهون برخی از الگوهای سنتی است که حتی پس از دوره گذار نیز در اشکال تطبیق‌یافته و در قالبی نو به بقای خود ادامه داده‌اند. هم‌چنین واکنش برخی از پژوهش‌گران ژاپنی با صبغه‌های ملی‌گرایانه به اقدامات دولت میجی که رنگ‌ولعابی غرب‌گرایانه داشت و تأکید آن‌ها بر ریشه‌یابی دلایل کام‌یابی سریع این کشور در تحولات دوره پیش از گذار، همگی، از اهمیت بررسی و شناخت این دوران حکایت می‌کند. این دگرگونی‌های خلاقانه محصول به‌سازی‌ها و سامان‌دهی‌های گوناگون به‌ویژه سه دوره اصلاحی بزرگ بود که مؤلف به نقد و بررسی آن‌ها می‌پردازد. هرچند نویسنده اصلاحات و موضوع اصلی پژوهش خود را به بازه تاریخی مورد اشاره محدود می‌کند و به نقش و تأثیرات آن بر آینده ژاپن نمی‌پردازد. پرسش اصلی مقاله حاضر این است که روش مؤلف در نقد و بررسی دوره‌های اصلاحی سه‌گانه و متمایز کردن آن‌ها نسبت به ادوار پیش از آن به‌عنوان دیدگاه غالب تا چه حد موفق بوده‌است؟ مقاله حاضر هم‌چنین می‌کوشد تا در حد امکان موارد و نکات مهمی را که از نظر نویسنده اثر به‌دور مانده‌است برای مخاطب ایرانی کتاب تبیین کند.

## ۲. معرفی و توصیف اثر

جاذبه‌های رمزگونه فرهنگ ژاپن افزایش اشتیاق و نیاز به شناختِ بیش‌تر ابعاد گوناگون این کشور شرقی را به‌ویژه در میان ایرانیان در پی داشته‌است. اما ادبیات تولیدشده و عرضه آثار ترجمه‌شده، به‌ویژه از زبان اصلی، به‌اندازه‌نیاز مخاطب و به‌خصوص پژوهش‌گران و دانشجویان این رشته نیست. تحولات دوره تاریخی موردبحث در کتاب، باوجود اهمیت آن، برای مخاطب ایرانی کم‌تر مطرح بوده است. اهمیت اثر یادشده، به‌عنوان یک کتاب کمک‌درسی، انگیزه‌ای برای بررسی و نقد آن با هدف آشنایی بیش‌تر دانشجویان این رشته بود.

### ۱.۲ وصف کلی

کتاب *اصلاحات بزرگ سه‌گانه در دوره مدرن آغازین ژاپن*، تألیف فوجیتا ساتورو<sup>۳</sup> (Fujita Satoru / 藤田覚) متولد سال ۱۹۴۶، دانش‌آموخته دکتری تاریخ مدرن ژاپن از دانشگاه توهوکو (Tōhoku / 東北) است که به‌عنوان استاد در دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه توهوکو مشغول به تدریس بوده و درباره دوره تاریخی موردبحث در این کتاب و موضوعات مرتبط چندین اثر منتشر کرده است. انتشارات یاماگاوا (Yamakawa shuppansha/ 山川出版社)، ناشر این کتاب، با هدف پوشش دادن تخصصی تاریخ ژاپن یک رشته از آثار را در قالب موضوعات و چهره‌های برجسته تاریخی در مجموعه‌ای با عنوان *کتابچه‌های تاریخ ژاپن (日本史リブレット) / Nihonshi Ribretto [Libretto]* منتشر می‌کند که کتاب موردبحث نیز در زمره آن‌هاست. عمده آثار به‌عنوان منابع درسی تاریخ ژاپن در دانشگاه‌های این کشور تدریس می‌شوند. کتاب حاضر در قطع رقعی و در ۱۰۱ صفحه با هدف بررسی سه اقدام اصلاحی بزرگ در دوره زمامداری طولانی نظام شوگوئی خاندان توکوگاوا در ماه مارس ۲۰۰۲ به چاپ رسید.

### ۲.۲ معرفی اجمالی اثر (سازمان‌دهی و مباحث)

کتاب مشتمل بر پنج فصل است که یک مقدمه و یک جمع‌بندی آغازگر و پایان‌بخش آن هستند. در مقدمه، مؤلف به طرح موضوع درباره اصلاحات موردبحث می‌پردازد. فصول دوم، سوم، و چهارم به تشریح و بررسی اصلاحات بزرگ در سه مرحله از دوره تاریخی

پیشامدرن اختصاص دارد. فصل آخر به بررسی و تشریح «حکمرانی بد» و متولیانش می‌پردازد و در پایان نتیجه‌گیری نویسنده اثر آمده است.

در بخش مقدمه، نویسنده با طرح دو نظریه هم‌راستای «دیدگاه تاریخی تناوب حکمرانی خوب و حکمرانی بد» (善政悪政交替史観 / zensei akusei kōtai shikan) و «دیدگاه تاریخی سختی و آسایش» (一張一弛史観 / itchō isshi shikan)، ضمن اشاره به قرارگرفتن دوره‌های اصلاحات بزرگ سه‌گانه در زمره حکمرانی خوب با نشان‌دادن این تناوب و ذکر نام بنیان اصلاحات در هر یک از این دوره‌ها نگاه انتقادی متولیان اصلاح‌گر به دوره‌های پیشاصلاحات با برجسب «حکمرانی بد» و دوران «آسایش» را تخطئه می‌کند:

حکمرانی بد: دوره گِن رُکُو (Genroku / 元禄時代, 1688-1704)، یاناگی زاوا یوشی‌یاسو (Yanagizawa Yoshiyasu / 柳沢吉保)، مشاور اعظم؛

حکمرانی خوب: دوره اصلاحات کیوهو (Kyōhō Reform / 享保の改, 1716-1736)، توکوگاوا یوشی‌مونه (Tokugawa Yoshimune / 徳川 吉宗)، شوگون هشتم؛

حکمرانی بد: دوره تانوما اوکی‌تسوگو (Tanuma Okitsugu period / 田沼意次時代, 1719-1788)، مشاور اعظم؛

حکمرانی خوب: دوره اصلاحات کانسی (Kansei Reform / 寛政の改革, 1787-1793)، ماتسودایرا سادانبو (Matsudaira Sadanobu / 松平 定信)، مشاور اعظم؛

حکمرانی بد: دوره اوگوشو (Ōgoshō period / 大御所時代, 1837-1841)، میزونو تادا آکیرا (Mizuno Tada'akira / 水野忠成)، مشاور اعظم؛

حکمرانی خوب: دوره اصلاحات تن‌پو (Tenpō Reform / 天保の改, 1841-1843)، میزونو تاداکیونی (Mizuno Tadakuni / 水野 忠邦)، مشاور اعظم.

مؤلف با یک‌پارچه‌دانستن این دوره‌ها منطق مجریان اصلاحات در نقد و نگرش منفی به دوره‌های پیش از خودشان را مبهم دانسته و هم‌چنین دانش عمومی و قضاوت مردم در مورد این عناوین را مستلزم بررسی دقیق می‌داند.

فصل نخست به موضوع اصلی بحث، اصلاحات و سه‌گانه‌بودن آن، مربوط می‌شود. مؤلف به شمار دیگری از اقدامات اصلاحی دولت شوگوئی به معنای مقابله با «بحران» در این دوره اشاره می‌کند، اما در بیان دلایل و توجیه وجه‌تسمیه سه‌گانه‌بودن اصلاحات بزرگ در وهله نخست این نوع از اصلاحات را دراصل چاره‌جویی برای مقابله با فروپاشی نظام حاکم می‌داند. طبق این تعریف، خود مؤلف به اصلاحات بزرگ دوگانه (دو دوره آخر)

قائل است. جعل این عنوان را محصول عصر حاضر می‌داند و هم‌چنین پیوند خونی متولیان این سه دوره با خاندان حاکم توکوگاوا (Tokugawa / 徳川) را علت شهرت و رسمیت اصلاحات بزرگ سه‌گانه می‌داند.

فصل دوم به بررسی اصلاحات دوره کیوهو می‌پردازد. به‌زعم نویسنده، اصلاحات این دوره مقابله با «بحران» تضاد میان اقتصاد فئودالی و اقتصاد تجاری (مرکانتیلیسم/ mercantilism) بود و با جدی‌ندانستن این بحران اصلاحات انجام‌شده را به‌طور عمده در جهت استحکام و تقویت پایه‌های نظام شوگوئی می‌داند. مهم‌ترین مسئله دولت کسری بودجه ناشی از سیاست‌های دوره قبل بود و برای رفع این مشکل متولیان اصلاحات برخی اقدامات را درپیش گرفتند: توسعه شالی‌زارها و اراضی کشاورزی و تشویق بازرگانان به سرمایه‌گذاری در این حوزه، اصلاح نظام برآورد محصول سالانه اراضی با لحاظ شرایط جوی و مشاوره با کشاورزان، اصلاحات اداری و به‌کارگیری افراد شایسته و مستعد و مدیران روستایی، حفظ ارزش قیمت برنج به‌عنوان کالای شاخص در برابر افزایش محصولات جانبی غیربرنجی توسط قلمروهای دیگر.

اصلاح قوانین بد و ناکارآمد و نظارت بر صدور احکام عادلانه قضایی، چراکه نظام حقوقی و قضایی با گذشت بیش از یک قرن از تأسیس نظام شوگوئی خاندان توکوگاوا نیازمند اصلاح بود، بازگرداندن اعتماد عمومی با اتخاذ سیاست مبنی بر اخلاق، مشاوره با علمای بزرگ کنفوسیوسی<sup>۴</sup> (Confucian) در سیاست‌ورزی، نصب صندوق‌عرایض (میاسوباکو/ 目安箱 / meyasubako) برای طرح بی‌واسطه شکایات و پیش‌نهادها به شوگون که زمینه‌ساز مشارکت مردم در سیاست‌گذاری‌های عمومی بود.<sup>۵</sup> احداث نخستین بیمارستان عمومی و ایجاد مرکز پیش‌گیری از حریق در شهر ادو<sup>۶</sup> (Edo / 江戸) دو نمونه از پیش‌نهادهای طرح‌شده از طریق این صندوق هستند.

موضوع فصل سوم مطالعه اصلاحات دوره کانسی است. بحران‌های داخلی دوره پیش (گن‌روکو) از جمله خشک‌سالی و قحطی، متروک شدن روستاها، بروز شورش و غارت و تزلزل زیرساخت‌های اقتصادی نظام شوگوئی، به‌هم‌راه بحران خارجی فشار روسیه برای برقراری روابط تجاری در سال ۱۹۷۲ از جمله مشکلات این دوره بود. حفظ جوامع کوچک کشاورزی و مقابله با تجاری‌شدن اقتصاد مبتنی بر کشاورزی دو سیاست مهم اصلاحی بود که در این دوره به‌اجرا درآمد. فرمان بازگشت روستاییان کوچ کرده از شهر ادو، فرمان منع سقط‌جنین ناشی از شرایط وخیم معیشتی جهت پیش‌گیری از جمعیت‌زدایی، پرداخت کمک‌هزینه فرزندان و حق عائله‌مندی، تخصیص بودجه برای توسعه مجدد شالی‌زارهای

تخریب‌شده و منع تولید محصولات جانبی به‌جز برنج (پنبه، تخم شلغم روغنی، نوغا، و غیره) برای جلوگیری از تجاری‌شدن و تقویت بازرگانان در برابر نظام شوگوئی از جمله این تدابیر بود. باتوجه‌به نوع بحران‌های این دوره (شورش و غارت)، سیاست‌مداران متأثر از آموزه‌های کنفوسیوسی «دولت خیرخواه» (jinsei / 仁政)، به‌طور کلی سیاست‌های اجتماعی را درپیش گرفتند. ساخت سیلوه‌های برنج برای مقابله با قحطی و تأمین ذخایر آن از طریق تعیین سهمیه برای امیران محلی (daimyo / 大名) و زمین‌داران و تأسیس اردوگاه کار (نینسوکو یوسبا / 人足寄場 / ninsoku yoseba) در سال ۱۷۸۰ به‌پیش‌نهاد کلانتر شهر اِدو به‌عنوان یک مرکز بازپروری برای مهارت‌آموزی به افراد آواره و بی‌خانمان با هدف تأمین امنیت اجتماعی از جمله تدابیر اخذشده بود. گسترش آموزش عمومی با ترویج آکادمی دولتی وابسته به مکتب نئوکنفوسیوسی شوئوشی (Shushi gaku-Chu his / 朱子学) به‌عنوان ایدئولوژی رسمی و تأسیس مدارس دیگر و هم‌چنین تألیف کتب تاریخی رسمی برای ایجاد پیشینه تاریخی و پشتوانه حکومتی و جهت‌دهی به افکار عمومی و هم‌چنین توجیه و منطقی‌جلوه‌دادن رابطه نظام شوگوئی با امپراتور و دربار در ارتباط با موضوع غضب قدرت توسط شوگون از طریق تألیف کتاب درباره نظریه «تفویض قدرت» (taisei inin / 大政委任) و هم‌چنین توجیه عدم برقراری رابطه با کشورهای خارجی (به‌جز چهار کشور مستثنی چین، کره، هلند، و کشور پادشاهی ریوکیو<sup>۵</sup> / 琉球 / Ryukyu) به‌واسطه خلأ قانونی با نسبت‌دادن سیاست «انزوای ملی» (sakoku / 鎖国) خودخواسته به سیره بنیان‌گذار خاندان توکوگاوا از سوی متولیان اصلاحات. توازن قدرت میان شوگون از یک‌سو و امپراتور و دربار از سوی دیگر که نویسنده در رویدادهای اصلاحات کانسی و تن‌پو به‌صورت حاشیه‌ای و کم‌رنگ به آن اشاره کرده است موضوع بسیار مهمی در سرنوشت نظام توکوگاوا است که بنا به اهمیت بسیار آن در کتابی مستقل موردبحث و بررسی قرار گرفته است (Takano 2001).

فصل چهارم تدابیر اتخاذشده از سوی مُجربان دوره اصلاحات تن‌پو در مواجهه با مرحله دوم مشکلات ساختاری و بحران‌های داخلی (اقتصادی، سیاسی، و اجتماعی) و خارجی را موردبررسی قرار می‌دهد. تلاش ناکام دولت برای کاهش قیمت‌ها از طریق بهبود آلیاژ مسکوکات که پی‌آمدش ایجاد تورم بود و موجب افزایش عرضه و توزیع کالا و دامن‌زدن به زندگی تجملی شد. صدور فرمان رعایت صرفه‌جویی در همه شئون زندگی، اصلاح سازوکار توزیع و عرضه کالا، و لغو امتیاز انحصاری اصناف مسئول که البته بی‌اثر بود. حفظ موازنه بین جمعیت شهری و روستایی و اعمال سخت‌گیری بیش‌تر در ثبت و سرشماری جمعیت در



شهر اِدو جهت بازگرداندن کشاورزان مهاجر، تضعیف حکومت مرکزی در برابر سایر تیول‌ها، و ایجاد دشمنی و شکاف با دیگر قلمروها به واسطه ازدواج یا فرزندخواندگی برخی از اولاد خاندان شوگونئی با خانوادهٔ امرای محلی (دایمیو) که موجب انتقال بخشی از اراضی مرغوب حکومت مرکزی به آن‌ها شد. هم‌چنین، در پی بروز مشکلات داخلی، سرکوب، و سخت‌گیری در مورد سیل انتقادات سیاسی و هجونا‌مه‌ها دامن بخش فرهنگی را گرفت. تشدید نظارت بر صنعت نشر و مطالب انتقادی کتاب‌ها در قبال شوگون و سیاست‌های جاری و هم‌چنین نظارت بر محتوای کتاب‌های تحریک‌آمیز جنسی پیش از انتشار، ستاندن نظارت بر نشر از صنف کتاب‌فروش، و تعمیم نظارت از یک صنف به چند مرجع از جمله مؤلف، کتاب‌فروشان، و شورای بزرگان، مقام‌های شهری، و انجمن علوم عمومی و طبیعی. گسترش فرهنگ عمومی، موسیقی، و تفریحات و تأثیر منفی هنجارشکنی‌های اخلاقی برخی از هنرهای نمایشی بر رفتارهای اجتماعی موجب کاهش تعداد تماشاخانه‌ها، انتقال شمار زیادی از آن‌ها به حومهٔ شهر، و زیرزمینی شدن معدودی از آن‌ها شد. در بعد خارجی، جدی‌شدن تهدیدهای خارجی هم‌چون مشاجره با روسیه بر سر جزایر شمالی و رفت‌وآمد کشتی‌های آمریکایی و انگلیسی به آب‌های ژاپن که صدور فرمان اتخاذ سیاست دفاع ساحلی برای همهٔ تیول‌ها و غربی کردن تجهیزات جنگی و توپخانه را در پی داشت.

فصل پنجم حکم‌رانی بد را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد. مؤلف در این فصل به‌طور مشخص آن دسته از سیاست‌مداران این دوره را که عملکردشان در مظان بی‌تدبیری و فساد قرار گرفته بود مطالعه و نقد می‌کند. خط‌مشی متولیان امور از جمله دورهٔ صدارت تانوما و میزوتو تاداگوئی پیش از آغاز هر یک از دوره‌های اصلاحی از سوی نویسندهٔ اثر به‌شکل منصفانه مورد نقد قرار می‌گیرد و برخی از ابتکارها و نوآوری‌های آن‌ها در عرصهٔ سیاست برجسته می‌شود.

در بخش نتیجه‌گیری نیز نویسندهٔ کتاب، با مرور فصول مورد بحث، به جمع‌بندی مباحث می‌پردازد.

### ۳. نقد و بررسی کتاب

پس از معرفی اجمالی کتاب اصلاحات بزرگ سه‌گانه در دورهٔ مدرن آغازین و فصول گوناگون آن، جنبه‌های شکلی و محتوایی آن در این بخش از مقاله مورد بررسی قرار گرفته و به نقاط قوت و ضعف آن اشاره می‌شود.

## ۱.۳ بررسی شکلی

### ۱.۱.۳ نقاط مثبت

در این جا می‌توان به چند مورد از نقاط مثبت شکلی این اثر اشاره کرد: نخست، جلد کتاب با انتخابی هوش‌مندانه با یک نقاشی زیبا از قلعه ادو با حصارها، اراضی کشاورزی و روستاها در پیرامون، و ساختمان‌ها و کاخ درون آن مزین شده است. این تصویر هم‌خوانی بسیاری با عنوان کتاب دارد که جذابیت ویژه‌ای به آن بخشیده است. پوشش زمان و مکان وقوع اصلاحات بزرگ سه‌گانه به‌عنوان موضوعی تاریخی در قاب این تصویر متجلی است. شهر ادو، علاوه بر مرکزیت سیاسی نظام شوگون‌نوی خاندان توکوگاوا به‌عنوان متولی این اصلاحات، نام دیگر دوره مدرن آغازین (کین‌سی) به‌عنوان بخشی از عنوان کتاب است.

دوم، نویسنده متناسب با متن اثر در صفحات گوناگون از تصویر نقاشی‌های تاریخی مربوط به رویدادهای مهم (هم‌چون فوران آتش‌فشان و قحطی، شورش و چپاول، سیل‌های برنج، حضور آدام لاکسمن / Adam Laxman فرستاده روسیه، نقاشی چهره‌های مهم و تأثیرگذار سیاسی و تاریخی) و هم‌چنین جدول گاه‌شمار تاریخی و نمودار افزایش محصول اراضی کشاورزی خاندان شوگون استفاده کرده است که به درک بهتر مطالب کمک می‌کند. چهارم، سادگی و روانی قلم مؤلف در بیان مطالب و پرهیز از کاربرد واژگان صعب و پرتکلف از دیگر نقاط قوت متن کتاب است. برای حفظ یک‌دستی و روانی متن، نویسنده تلاش کرده است تا در حد امکان توضیحاتی درباره واژگان، اصطلاحات، و برخی رویدادهای تاریخی ارائه کند.

### ۲.۱.۳ نقاط ضعف

همان‌گونه که این اثر دارای نقاط قوت است، نقاط ضعفی نیز دارد که ذکر آن‌ها می‌تواند تصویر بهتری از یک اثر کامل‌تر و باکیفیت‌تر ارائه کند.

نخست، حجم کلی اثر برای تبیین اصلاحات بزرگ سه‌گانه مناسب به نظر می‌رسد، اما از نظر تقسیم‌بندی فصول در تخصیص دادن حجم صفحات به هریک از آن‌ها تناسب لازم رعایت نشده است. مقدمه پنج صفحه‌ای (همراه با جدول گاه‌شمار)، یازده صفحه مطالب فصل یک، دوازده صفحه مطالب فصل دوم، سی صفحه مطالب فصل سوم، ۲۴ صفحه مطالب فصل چهارم، هفده صفحه مطالب فصل آخر، به‌همراه حدود دو صفحه نتیجه‌گیری

مؤلف است. باتوجه به عنوان فصل اول و ارتباط مطالب مقدمه با عنوان فصل یک، شاید مناسب تر آن بود که مطالب مقدمه در این فصل ادغام می شد تا عنوان فصل یک را نیز بهتر پوشش دهد. گرچه فصول دوم، سوم، و چهارم اصلاحات بزرگ سه گانه را پوشش می دهند، حجم مطالب اصلاحات دوره کانسی (دومین دوره اصلاحی) بیش از دوبرابر دوره اصلاحی نخست است. شاید شمار تحولات و رویدادهای این دوره بیش از دوره های دیگر باشد اما، درعین حال به برخی اقدامات اصلاحی دوره های دیگر فقط در حد اشاره پرداخته شده است.

دوم، فصول پنج گانه کتاب فاقد بخش نتیجه گیری است؛ به ویژه در بخش های مربوط به اصلاحات بزرگ سه گانه وجود این بخش می توانست در جمع بندی اطلاعات به منظور تحلیل بهتر توسط خوانندگان کمک کند.

سوم، از نظر ساختاری، گنجاندن فصلی مستقل در آخر که به حکمرانی بد و چهره های سیاسی این نوع از دولت ها می پردازد چندان منطقی به نظر نمی رسد. مؤلف در مقدمه خود به طرح نظریه تناوب حکمرانی خوب و بد پرداخته است. شایسته تر آن بود که دوره های معروف به حکمرانی بد در قالب پیشینه تاریخی هر یک از دوره های اصلاحی بیان می شد تا از این طریق تصویر بهتری از شرایط دوران پیشاصلاحات ارائه می شد و برای خوانندگان نیز مجال مقایسه بی طرفانه عملکرد متولیان امر فراهم می شد و نیازی به تلاش نویسنده در ابهام زدایی از آن ها در فصل پایانی نبود.

سوم، نقطه ضعف مهم در این اثر فقدان ارجاع دهی درون متنی است. در تألیف این اثر، مؤلف از منابع معتبر و شناخته شده تاریخی استفاده کرده است، اما متأسفانه متن کتاب به سبکی بسیار سستی فاقد ارجاعات درون متنی است. نویسنده اثر با دسته بندی منابع مورد استفاده براساس موضوعات فقط به ذکر آن ها در بخش کتاب نامه اکتفا کرده است. البته، درباره تصاویر، نقاشی ها، و جداول استفاده شده در متن نویسنده با ذکر صفحاتی که این آثار و نمایه ها در آن ها استفاده شده، مآخذ آن ها را در پایان کتاب اعلام کرده است.

## ۲.۳ بررسی محتوایی

### ۱.۲.۳ نقاط قوت

این اثر هم چون آثار دیگر به لحاظ محتوایی دارای نقاط قوتی است که، فارغ از دانش افزایی، اشتیاق به مطالعه آن را افزایش می دهد.

نخست، هرچند علاقه‌مندان به ژاپن به‌ویژه مخاطبان عام بیش‌تر با دوره مدرن این کشور آشنا هستند، موضوع اصلاحات آن هم پیش از ورود به عصر جدید از جذابیت خاصی برخوردار است. داشتن پیش‌زمینه‌ای اجمالی درباره نقش تحولات جامعه پیشامدرن ژاپن در پیمودن سریع مسیر نوسازی و راز دوام و دیرپایی حکومت خاندان توکوگاوا به مدت بیش از ۲۶۰ سال بر جذابیت عنوان اصلاحات بزرگ سه‌گانه در دوره مدرن آغازین (ژاپن) می‌افزاید.

دوم، این اثر به لحاظ محتوایی از انسجام و سیر منطقی خوبی برخوردار است. از آن‌جاکه موضوع اصلی کتاب در بستری تاریخی بررسی می‌شود، به‌طور طبیعی ساختار تاریخی آن از تسلسل و روند منسجم خوبی برخوردار است. مؤلف، ضمن بررسی جداگانه موضوع اصلاحات، تدابیر، و رویکردهای گوناگون متناسب با شرایط و بحران‌های هر دوره، با اشاره به ویژگی هر یک از دوره‌های قبل بر یک‌پارچگی تاریخی و انسجام موضوعات گوناگون طرح شده صحه می‌گذارد.

سوم، با توجه به دشواری خوانش واژه‌نگارهای کانجی، به‌ویژه در نام‌ها، رویدادها، و اصطلاحات تاریخی حتی برای خود ژاپنی‌ها، نویسنده به صلاح دید خود ضمن درج تلفظ واژه‌نگارهای کانجی (فوریکانا) در کنار آن‌ها توضیحات مختصر و مفیدی را متناسب با برخی از اصطلاحات، رویدادها، یا شخصیت‌های تاریخی در بالای صفحات مربوط قید کرده است که به‌هنگام خواندن متن رافع ابهامات و مکمل اطلاعات است.

چهارم، در پژوهش منجر به نگارش این اثر، مؤلف از منابع تاریخی معتبر و شناخته‌شده‌ای درباره هر یک از دوره‌های تاریخی بهره برده است. آثار این پژوهش‌گران بر غنا و پربار بودن اثر افزوده است که ذکر ارجاعات درون‌متنی می‌توانست بر دقت آن نیز بیفزاید.

### ۲.۲.۳ نقاط ضعف

این اثر، علاوه بر نقاط قوت، کاستی‌ها و نقاط ضعفی نیز دارد که رفع آن‌ها می‌تواند بر غنای بیش‌تر و کیفیت بهتر کتاب بیفزاید.

نخست، کتاب فاقد تعریف دقیق و مشخصی از عنصر کلیدی «اصلاحات» است. موضوع محوری کتاب اصلاحات بزرگ سه‌گانه است که در بازه زمانی دوره مدرن آغازین (کین‌سی) بررسی می‌شود. شایسته بود که نویسنده در آغاز با ارائه یک تعریف روشن و دقیق مراد خویش از اصلاحات و هم‌چنین دوره تاریخی مورد بحث را برای مخاطب روشن کند. در بحث از اصلاحات بزرگ سه‌گانه، مؤلف صرفاً با اشاره به وجه تسمیه و

شهرت یافتن اصلاحات با این عنوان توضیحات غیرشفافی را ارائه می‌کند. او، با اشاره به وجود چندین اقدام اصلاحی در دوره درازمدت حاکمیت خاندان توکوگاوا، مراد از این نوع اصلاحات در معنای موسع و عام آن را چاره‌جویی‌های دولت شوگوئی در برابر «بحران» می‌داند. اما در تبیین یکی از علل نام‌گذاری و شهرت اصلاحات سه‌گانه، با حصر مفهوم اصلاحات در معنای مضیق و خاص، از آن به اتخاذ راه‌کارهایی برای پیش‌گیری از فروپاشی نظام شوگوئی تعبیر می‌کند. به این ترتیب، با خارج کردن دوره نخست اصلاحات از شمول این تعریف، آن را به «اصلاحات بزرگ دوگانه» تقلیل می‌دهد (Fujita 2002: 14-16). شایسته بود مؤلف، پس از ذکر تعاریف مهم و معتبر در این حوزه، تعریف مختار خود از مفهوم اصلاحات را به‌طور مشخص و روشن بیان می‌کرد تا در قیاس با تعاریف شاخص امکان درک بهتری از منظور خود را فراهم می‌کرد.

دوم، جایگاه متمایز کین‌سی (دوره مدرن آغازین [ژاپن]) به عنوان بستر بحث به‌خوبی تبیین نشده است. مؤلف سه مرحله بزرگ اصلاحی را در یک دوره تاریخی موردبررسی و تحلیل قرار می‌دهد. از آن‌جاکه کتاب به زبان ژاپنی، توسط نویسنده‌ای با همین ملیت و احتمالاً برای هم‌میهنانش، به نگارش درآمده است، به‌نظر می‌رسد که فوجیتا با مفروض گرفتن شناخت مخاطبان از تاریخ این کشور، به‌ویژه دوره کین‌سی، خود را از ارائه هرگونه توضیحی درباره این مقطع از تاریخ ژاپن بی‌نیاز می‌بیند. با فرض پذیرش چنین دلیل ناگفته‌ای از سوی وی، این نقد به مؤلف وارد است که، با توجه به بررسی موضوع اصلی کتاب (اصلاحات بزرگ سه‌گانه) در این مقطع تاریخی، حتی مخاطب ژاپنی نیز برای درک بهتر این مطالعه نیازمند توضیحاتی به‌منظور آگاهی بیشتر از جایگاه و اهمیت این دوره در کل تاریخ این کشور است. بررسی محققانه بیتو ماساهیده (Bitō Masahide / 尾藤 正英)، شاید یکی از جامع‌ترین توضیحات در این زمینه باشد. او با اشاره به مبانی مختلف تقسیم‌بندی‌های گوناگون ادوار تاریخی و فقدان وحدت رویه در نام‌گذاری‌ها، بر این باور است که به‌هنگام رواج تقسیم‌بندی‌هایی بر مبنای شماری از مقسم‌ها در سطح خرد، ارائه یک تقسیم‌بندی کلان برای نشان‌دادن شمایی کلی از تاریخ بسیار ضروری است. برای نشان‌دادن تقسیم‌بندی‌های خرد، او به شماری از دوره‌های تاریخی بر مبنای مقر حکومت‌ها، هم‌چون ادوار هی‌آن (Heian / 平安時代, 794-1185)، کاماکورا (Kamakura / 1185-1333)،鎌倉時代 (Muromachi / 室町時代, 1336-1573)، آزوچی-مومویاما (Azuchi-Momoyama / 安土桃山時代, 1573-1603)، و ادو (Edo / 江戸時代, 1603-1868) در ژاپن اشاره می‌کند. در نام‌گذاری‌ها، او هم‌چنین از رویه دیگری مانند دوره‌های میجی

(Meiji / 明治時代, 1868-1912)، تایشو (Taisho / 大正時代, 1912-1926)، و شووا (Showa / 昭和時代, 1926-1989) یاد می‌کند که پس از روی کار آمدن دولت مُدرن و اعاده قدرت به امپراتور، براساس نام‌گذاری دوره سلطنت هریک از امپراتوران تا عصر حاضر، عنوان‌بندی شده است و می‌شود.

بیتو دلیل تقسیم‌بندی کلان و نام‌گذاری دوره‌های تاریخی ژاپن یعنی دوره‌های کُدای (باستان / 古代 / Kodai)، چوَسِی (سده‌های میانه / 中世 / Chūsei)، و کین‌دای (عصر مُدرن / 近代 / Kindai) را برگردان (ترجمه) ادوار تاریخی اروپایی می‌داند که در اواخر قرن نوزدهم با ورود تاریخ‌نگاری غربی به ژاپن مرسوم شده است. او بر این باور است که کارل مارکس (Karl Heinrich Marx, 1818-1883) این تقسیم‌بندی سه‌گانه اروپای سنتی را که محصول نوع رویکرد دوره نوزایی (رنسانس) به گذشته بوده است مبنای تبیین دیدگاه ماتریالیسم تاریخی خود قرار داده و آن را به مسئله توسعه تاریخی همه کشورها تعمیم داده است. براساس تفسیر مارکس، جدای از دو دوره آرمانی آغازین و پایانی این دیدگاه (کُمون اولیه و سوسیالیسم) که جوامع بی‌طبقه بودند ویژگی هریک از دوره‌های تاریخی اروپا (باستان، سده‌های میانه، و عصر مدرن) در واقع مبنای تمایز هریک از آن‌ها از دیگری است که این ویژگی‌ها به ترتیب در قالب برده‌داری، فئودالیسم، و سرمایه‌داری متبلور شده‌اند. علوم اجتماعی و به‌ویژه تاریخ‌نگاری ژاپن متأثر از مارکسیسم از دهه ۱۹۲۰ تلاش کرد تا تاریخ این کشور را در قالب نظریه مارکس تقسیم‌بندی کند. اما بعدها انطباق‌پذیر نبودن این قالب تاریخی جز بر اروپا برای تاریخ‌نگاران مارکسیست ژاپنی به اثبات رسید. از این رو، آن‌ها با گذار از تقسیم‌بندی سه‌گانه اروپا با افزودن کین‌سی (دوره مدرن آغازین) در میان دوره‌های «سده‌های میانه» و «عصر مُدرن» یک تقسیم‌بندی چهارمرحله‌ای از تاریخ ژاپن ارائه کردند که مبنای رسمی تقسیم‌بندی کتاب‌های تاریخی قرار گرفت (بیتو ۲۰۰۶: ۲-۵). البته برخلاف این کاربرد رسمی، برخی از کتاب‌های آموزشی تاریخ ژاپن علاوه بر «دوره مدرن آغازین» که ویژه تاریخ این کشور است، با افزودن گِن‌دای (دوره معاصر / 現代 gendai) پس از عصر مُدرن، در عمل به یک تقسیم‌بندی پنج دوره‌ای قائل هستند<sup>۱</sup> (رُیو گاکوَسِی نو تامه نو نیهون‌شی ۲۰۰۴). این خاص بودن فقط منحصر به داشتن یک دوره تاریخی مضاف بر ادوار سه‌گانه تاریخی اروپا نیست. ماهیت و ویژگی‌های این دوره به لحاظ تحولات سیاسی-اجتماعی جامعه دوره ادو، نظام شبه‌فئودالی ژاپن را از اروپا نیز متمایز می‌کند. شایان ذکر است که هر چند کاربرد کین‌سی (دوره مدرن آغازین) به عنوان یکی از تقسیم‌بندی‌های کلان برای دوران موضوع بحث کتاب بسیار مرسوم است، اما همان‌گونه که اشاره می‌شود، این

دوره خود متشکل از دو دوره از حکومت‌های شوگوئی است. باتوجه به بازه زمانی موضوع، شاید کاربرد متداول دوره ادو یا دوره توکوگاوا دقیق‌تر بود.

سوم، ماهیت متفاوت فئودالیسم ژاپنی در دوره کین‌سی و نقش آن در گذار به مدرنیته مورد غفلت واقع شده است. همان‌گونه که اشاره شد، تقسیم‌بندی سه دوره‌ای تاریخ اروپا متناسب با ادوار تاریخی این قاره تدوین شده بود و همه مقاطع تاریخی ژاپن را پوشش نمی‌داد. طبق نظر بیتو، در تاریخ ژاپن، مقطع چوئی (سده‌های میانه) دربرگیرنده دوره‌های کاماکورا و موروماچی و هم‌چنین کین‌سی (دوره مدرن آغازین) متشکل از دوره‌های آزوچی مومویاما و ادو است.<sup>۹</sup>

رویکرد نسبتاً مشابه تاریخ‌نگاران اروپایی و ژاپنی در قبال سده‌های میانه و حاکمیت فئودالیسم و شبه‌فئودالیسم به‌عنوان ویژگی بارز این دوره در اروپا و ژاپن، باتوجه به خاستگاه متفاوت آن‌ها، ازسوی بیتو تبیین شده است. عصر نوزایی (رنسانس) در اروپا به‌مثابه طلیعه دورانی جدید (عصر مدرن) به‌واسطه آن‌که سده‌های میانه را عصر تاریکی و حاکمیت دین بر افکار مردم می‌دانست، نگرشی منفی به این دوره داشت و درصدد احیای دوران طلایی تمدن‌های روم و یونان در عصر باستان بود. در ژاپن نیز مردم بر این تصور بودند که با خاتمه‌یافتن دوره ادو، عصر تاریکی به پایان رسیده است؛ چراکه با زوال حاکمیت طولانی سامورایی‌ها از آغاز سده‌های میانه (دوره کاماکورا) تا پایان دوره ادو، امپراتور میجی موفق به اعاده قدرت از چنگ غاصبان شده است (Bitō 2006: 6-8). تاریخ‌نگاران ژاپنی نیز متأثر از اندیشه‌های مارکسیسم تا دهه ۱۹۸۰، هم‌چون متفکران اروپایی، عقب‌ماندگی و ستم‌گری را از ویژگی‌های بارز فئودالیسم می‌دانستند. بنا به باور بیتو، این امر ناشی از بی‌دقتی در اطلاق واژه فئودالیسم بر مفهوم هوکن (Hōken / 封建) در زبان ژاپنی بوده است. این مفهوم مقتبس از فرهنگ چینی برگرفته از نظام حکومتی غیرمتمرکز سلسله چو (به زبان ژاپنی Chou 770-110 BCE و ژو به زبان چینی Zhou Dynasty) است که نوع حکومت آن متفاوت از نظام دیوان‌سالاری متمرکز سلسله چین (Ch'in or Qin) بود. این واژه برگرفته از اندیشه‌های کنفوسیوس بود که نظام غیرمتمرکز سلسله چو را دولتی آرمانی می‌دانست. قرائت ژاپنی اندیشه‌های کنفوسیوس در قالب مکتب نئوکنفوسیوسی نیز در دوره ادو به‌نوعی پشتیبان ایدئولوژیک نظام شوگوئی توکوگاوا (Tokugawa Shogunate) بود (Tokugawa 2007: 5-6). بیتو واژه ژاپنی هوکن را برگردان یک واژه مرکب چینی به‌معنای تل یا توده خاک برآمده می‌داند که با نصب علائم مرزی حول این توده خاک حکومتی ایجاد شده است. شمار زیاد دولت‌های محلی و منطقه‌ای (دایمیو) دوره ادو و توزیع قدرت

در میان آن‌ها مؤید این نوع از فئودالیسم است (Bitō 2006: 9-10). حال، این پرسش مطرح است که با وجود رویکردهای مشابه به سده‌های میانه و نظام کم‌وبیش مشابه فئودالی در اروپا و ژاپن چرا شاهد تقسیم دوران حاکمیت جنگاوران فئودال ژاپن به دو بخش و ایجاد یک دوره متمایز از اروپا پیش از ورود به عصر مدرن هستیم؟

بنا به استدلال بیتو، با وجود آن‌که پس از روی کار آمدن دولت مدرن میجی و ظهور و بروز عناصر گوناگون فرهنگ غرب در فرایند نوسازی جامعه ژاپن از دوره ادو متمایز می‌شود ساختار سیاسی - اجتماعی ژاپن تقریباً دست‌نخورده باقی می‌ماند. بافت روستایی به‌عنوان عمده‌ترین بخش این ساختار تاحد زیادی بدون تغییر حفظ شد و فقط برخی تغییرات صوری در عناوین مدیران مسئول روستاها ایجاد شد. عوامل اصلی ساختار سیاسی هم‌چون دربار، مقام‌های دولت شوگونئی، امیران محلی (دایمیو) سابق، و غیره نیز به‌طور کامل از قدرت برکنار نشدند، بلکه با در دست گرفتن قدرت از سوی سامورایی‌های رده‌پایین اعضای بلندپایه رژیم گذشته تنزل رتبه پیدا کردند. تداوم ساختار سیاسی دوره ادو در عصر مدرن نشان از قابلیت‌های این دوره سنتی برای پیش‌برد اهداف نوسازی داشت. روی کار آمدن دولت میجی انقلابی ناقص و سازش‌کارانه بود که از تداوم حیات نظام فئودالی ژاپن تا پایان جنگ جهانی دوم حکایت داشت. با وجود آن‌که این تحولات سرآغاز عصر جدید و فصل تمایز آن با دوره مدرن آغازین بود، روشن است که بستر جامعه از انسجام و پیوستگی زیادی برخوردار بود (ibid.: 14-15). این گذار محافظه‌کارانه از جامعه سنتی ژاپن به دوران جدید با دگرگونی‌های عظیم و خون‌ریزی‌های انقلاب فرانسه بسیار متفاوت بود. از این رو، به‌رغم تداوم حاکمیت جنگاوران سامورایی و ویژگی‌های شبه‌فئودالی در عصر چوئسی (سده‌های میانه) و کین‌سی (دوره مدرن آغازین)، ساختار سیاسی - اجتماعی دوره متأخر پیوستگی ویژه‌ای با عصر مدرن داشت و در واقع به‌واسطه تحولات اجتماعی شگرف طلیعه‌ای بر دوران جدید ژاپن بود.

چهارم، راه‌کارهای اصلاحی و تحولات اجتماعی مهم در این دوره محصور شده است و نقش و تأثیرگذاری آن‌ها بر آینده ژاپن مورد اشاره قرار نگرفته است. بسیاری از تدابیر اتخاذشده در این دوره‌های اصلاحی به‌لحاظ اهمیت فقط در ظرف همین دوره تاریخی نمی‌گنجد و خاستگاه درونی بسیاری از اقدامات پیش‌رو در دوران مدرن ژاپن است. جدای از سیاست‌های شایسته در حوزه اقتصاد کشاورزی هم‌چون توسعه شالی‌زارها و اراضی کشاورزی و تشویق بازرگانان به سرمایه‌گذاری در این بخش واگذاری انحصار عرضه و توزیع کالا به برخی اصناف خاص برای نظارت و کنترل قیمت‌ها در بخش اجتماعی و



فرهنگی سیاست‌های مناسبی به اجرا درآمد که شاید امروزه بیش‌تر در برنامه‌های دولت رفاه قابل مشاهده باشد. از جمله آن‌ها امکان برقراری ارتباط مستقیم با شخص شوگون به واسطه نصب میاسوباکو (صندوق عرایض، صندوق پیش‌نهادها و انتقادات کنونی) در ماه اوت سال ۱۷۲۱ م/ مرداد ۱۱۰۰ ش بود که البته سابقه به‌کارگیری آن از سوی برخی امیران محلی (دایمیو) به سال‌ها پیش از آن بازمی‌گشت. بدین وسیله، شوگون بی‌واسطه از بطن جامعه آگاه می‌شد و در دوره‌ای که استبداد ویژگی بارز نظام شوگونی و فئودالی بود، در تصمیم‌سازی‌ها از خرد جمعی استفاده می‌شد. برخی از سیاست‌های اجتماعی دوره اصلاحات کان‌سی پس از وقوع خشک‌سالی و قحطی در دوره تین‌می از این موارد هستند. آینده‌نگری و تشکیل ستاد بحران با ساخت سیلوه‌های برنج (کاکوئی‌مای / kakoi mai / 囲い米) یا تأسیس صندوق کمک مالی شهر (ماچی‌کایشو / machi kaisho / 町会所) در سال ۱۷۹۲ و اعطای وام‌های کم‌بهره به مردم فقیر از طریق وضع عوارض مسکن بر اقامتگاه بازرگانان (McClain and Wakita 1994: 468; Ehlers 2014: 61)، تأسیس اردوگاه کار (نینسوکو یوسیا) با هدف تأمین امنیت اجتماعی از طریق مهارت‌آموزی و بازپروری افراد ولگرد و بی‌خانمان، ایجاد یک نظام حمایتی از کودکان (شونی یوئیکوئین سیدو / shōni yōiku-kin seido / 小児養育金制度) برای فقرا که هم‌اکنون نیز کم‌وبیش در زمره برنامه‌های رفاهی دولت ژاپن قرار دارد. هم‌چنین، برخی از خط‌مشی‌ها در توسعه آموزش و فرهنگ از جمله آن بخش از نظارت مثبت بر جریان نشر و حوزه نمایش در قالب اصلاحات تین‌پو که مانع از انحطاط اخلاقی در جامعه می‌شد (ibid.: 73-74). همان‌گونه که اشاره شد، این سیاست‌ها برگرفته از آموزه‌های کنفوسیوسی درباره «دولت خیرخواه» بود (ibid.: 40) و در ژاپن پیشامدرن اصول مردم‌سالاری و دیگر مفاهیم مدرن مطرح نبود. اما وجود چنین سنت‌هایی امکان انطباق سریع جامعه این کشور را با تحولات جدید فراهم می‌ساخت.

پنجم، اثر فاقد روش و چهارچوب نظری روشن و مشخصی است. نویسنده در نخستین جمله از مقدمه کتاب به‌درستی دولت شوگونی را محور دوره تاریخی پیشامدرن می‌داند که مجری پیش‌برد اصلاحات است. همان‌گونه که اشاره شد، مؤلف راه‌کارهای ارائه‌شده از سوی دولت‌های وقت برای مقابله با بحران‌ها را تعریف عام اصلاحات می‌داند. اما در بررسی این موضوع مهم فاقد روش و چهارچوب نظری مشخص و مناسبی برای تحلیل است. هرچند بستر بحث تاریخی است، عوامل اصلی (دولت و سیاست‌مداران) مرتبط با موضوع اصلاحات ماهیتی سیاسی دارند. استناد نویسنده برای تحلیل تنها دو نظریه «دیدگاه تاریخی تناوب حکم‌رانی خوب و حکم‌رانی بد» و «دیدگاه تاریخی سختی و آسایش» است که

همان را نیز بی‌نیاز از تبیین دانسته است (1: *ibid.*). در عین حال، فوجیتا متقد قضاوت سیاستمداران خاندان حاکم توکوگاوا و مردم عادی از تقسیم‌بندی حکمرانی خوب و بد و این تناوب است. مؤلف با اختصاص فصل جداگانه‌ای به حکمرانی بد، حکمرانان متصف به این صفت، و بیان ابتکارها و نوآوری‌های آنها سعی در متوازن کردن قضاوت‌ها و خارج‌نشدن از طریق انصاف دارد. تبیین توماس آرتور اسپرینگز (Thomas A. Spragens) از فهم نظریه سیاسی‌ای که از آن با نام نظریه بحران نیز یاد می‌شود می‌توانست به‌عنوان چهارچوب و ابزاری مناسب به صاحب اثر در تحلیل خود کمک کند. از نظر اسپرینگز، اندیشمند سیاسی در سامان‌بخشی به بعد سیاسی از حیات انسان مسیری چهارمرحله‌ای را می‌پیماید. نخستین مرحله و نقطه عزیمت آن مشاهده بحران و نابه‌سامانی است. این مشاهده انگیزه‌ای برای تشخیص علت بی‌نظمی، آنگاه بازسازی ذهنی جهان مطلوب سیاسی و سرانجام ارائه راه‌کار است (اسپرینگز ۱۳۹۲: ۴۱). در ترسیم بحران و نابه‌سامانی‌ها و هم‌چنین جامعه آرمانی در ذهن متفکر، بررسی زمینه‌ها و فضای تاریخی، اجتماعی، سیاسی، و اقتصادی وقت نیز بسیار مهم است (گلشنی ۱۳۸۷: ۱۰۶-۱۰۷). هرچند نظریه اسپرینگز در اصل به فرایند اندیشه‌ورزی متفکران سیاسی می‌پردازد، چاره‌جویی سیاستمداران دولت شوگوئی در قبال بحران‌ها از پشتوانه اندیشمندان سیاسی برخوردار بوده است که به‌عنوان مشاور به شوگون خدمت می‌کردند. به‌عنوان نمونه، اگیو سُرایی (Ogyu Sorai / 荻生徂徠) از اندیشمندان وقت، رهنمودهای خود در باب سیاست‌ورزی را در قالب کتاب سیدان (گفتاری در باب سیاست / 政談 / Seidan) به شوگون هشتم، مُجری اصلاحات دوره کیوهو تقدیم کرد یا مورو کیوسو (Muro Kyūsō / 室鳩巢)، عالم مکتب نئوکنفوسیوسی که شوگون هشتم از او به‌عنوان معلم خصوصی و مشاور، بسیار حرف‌شنوی داشت (Fujita 2002: 28-29). هم‌چنین موتوئوری نوری‌ناگا (Moto'ori Norinaga / 本居宣長)، اندیشمند بزرگ دوره اصلاحات کانسی، تحلیل‌های خود را به‌ویژه در باب «تفویض قدرت» از سوی امپراتور به شوگون در کتابش *تاماکوشیگه* (Tamakushige / 玉くしげ) ارائه کرد تا در چاره‌جویی یکی از بحران‌ها به ماتسو‌دایرا سادانوئو، مجری اصلاحات این دوره، کمک کند (47-48: *ibid.*). روش اسپرینگز در تبیین چگونگی مراحل شکل‌گیری تفکر اندیشمند سیاسی و انگیزه‌هایش در آغاز اندیشیدن منطق درونی است. از نظر او، روش دیگر پی‌بردن پژوهش‌گر به فرایند تکوین اندیشه سیاسی، غور و تفحص در نتیجه و آثار اندیشه‌های اندیشمند، و منطق بازسازی‌شده است. در منطق درونی، پژوهش‌گر باید هریک از مراحل چهارگانه را از منظر اندیشمند ببیند (عباسی و تاجیک ۱۳۹۱: ۲۰). با این روش،

فوجیتا می‌توانست نقد خود به قضاوت اصلاح‌گرانِ خاندان حاکم و مردم عادی از حکمرانی بد را بهتر تبیین کند. در واقع، قضاوت‌های جهت‌دار از دوره‌های پیشاصلاحات و اطلاق برچسب حکمرانی بد فارغ از درستی برخی سوءتدبیرها، تفاوت رویکرد نویسنده (منطق درونی) با دیدگاه‌های رایج و غالب (منطق بازسازی‌شده) در بررسی شرایط از نگاه حکمرانان، با قضاوت‌کردن براساس گزارش‌های بعدی از عملکرد آن‌هاست.

#### ۴. نتیجه‌گیری

کتاب اصلاحات بزرگ سه‌گانه در دوره مدرن آغازین [ژاپن] (۲۰۰۲)، اثر فوجیتا ساتورو، با موضوع اقدامات اصلاحی نظام شوگوئی خاندان توکوگاوا در جامعه ژاپن پیشامدرن ازسوی نگارنده موردبررسی و نقد قرار گرفت. نقد این اثر، که شکل و محتوا را در بر می‌گیرد، هم به نقاط قوت و هم به کاستی‌های آن اشاره می‌کند. در این مقاله، با بررسی مقدمه، فصول پنج‌گانه، و نتیجه‌گیری مؤلف اثر تلاش او در ترسیم فضای دوقطبی از شرایطی که به اصلاحات منجر شده است و نقد نظریه تاریخی تناوب حکمرانی بد و خوب موردبررسی قرار می‌گیرد. او منتقد قضاوت منفی مردم عادی و مدعای سیاست‌مدارانی است که با خاندان حاکم پیوند خونی داشتند و با ارائه چهره‌ای منفی از دولت‌های پیشین تدابیر اصلاحی دولت متبوعشان را در زمره حکمرانی خوب قلمداد می‌کردند. در نقد مقاله، این پرسش مطرح شد که صاحب اثر تا چه حد در این مسیر موفق بوده است. انجام‌دادن «اصلاحات» در بستر تاریخی «دوره مدرن آغازین» ژاپن، توسط سیاست‌مداران منسوب به نظام سیاسی حاکم به‌عنوان موضوع اصلی این اثر مستلزم پرداخت جامع‌تر و مناسب‌تری ازسوی نویسنده اثر است. به نظر می‌رسد که ایشان، با بدیهی‌پنداشتن مفهوم و اهمیت اصلاحات، خود را بی‌نیاز از تشریح پی‌آمدهای اثرگذار و جایگاه متمایز این دوره ویژه از تاریخ ژاپن دیده است. اصلاحات این دوره، با توجه به ماهیت و مجریان آن، امری سیاسی تلقی می‌شود. از این رو، شایسته آن بود که مؤلف به جای کار بست نظریه‌های صرف تاریخی برای تحلیل نحوه تقسیم‌بندی و حصر مجموع اقدامات اصلاحی این برهه تاریخی به سه دوره و نقد تناوب دوره‌های خوب و بد، به منظور افزایش عمق تحلیل خود، ورود به ماهیت اصلاحات این دوره و فراهم‌ساختن پتانسیل و زمینه مناسب برای گذار به عصر مدرن از نظریه‌های سیاسی مرتبط استفاده می‌کرد. به نظر می‌رسد که رویکرد انتقادی مؤلف در سطح باقی مانده و بدون اتخاذ روش و چهارچوب نظری مشخصی تلاش کرده است تا

منازعه تقسیم‌بندی سیاست‌های درست و نادرست در قالب نظریه تاریخی تناوب حکم‌رانی بد و خوب را که از سوی نظام حاکم طرح می‌شد و در میان عامه مردم مقبولیت یافته است به چالش بکشد و در جهت اثبات نادرستی آن فصل مستقلی را نیز به نقد منصفانه عملکرد سیاست‌مدارانی اختصاص دهد که در مظان حکم‌رانی بد قرار داشتند. با وجود این، محتوای اثر از نظر دست‌اول بودن موضوع و مطالب برای مخاطب و اهمیت اصلاحات و جایگاه مهم این دوره فرصت مغتنمی برای مطالعه آن است.

## پی‌نوشت‌ها

### 1. Kinsei no san dai kaikaku (近世の三大改革)

از آن جاکه برگردان فارسی واژه ژاپنی کین‌سی (دوران نزدیک) در عنوان کتاب نارسا و نیازمند توضیح است در برگردان عنوان از معادل (دوره مدرن آغازین) استفاده شده است. Early Modern Period انگلیسی کین‌سی: اطلاق دوران نزدیک (کین‌سی) به این دوره از سوی ژاپنی‌ها به دلیل نزدیکی آن به دوره مدرن می‌جی است. دوران پیشامدرن نیز قابل اطلاق به این دوره است اما عام بودن آن و برخی تفاوت‌های تاریخی ژاپن با اروپا از دقت این برگردان می‌کاهد. از این رو، عنوان ژاپنی کتاب در زبان فارسی «اصلاحات بزرگ سه‌گانه در دوره مدرن آغازین (ژاپن)» ترجمه شده است.

### 2. The Shogunate

نظام شوگونئی یا شوگون‌سالاری از زمان غصب قدرت از امپراتور توسط طبقه جنگاوران (سامورایی‌ها) به فرمان‌دهی شوگون (سپه‌سالار) از سال ۱۱۸۵ تا سال ۱۸۶۷ در ژاپن حاکم بود و حکومت خاندان توکوگاوا آخرین دوره از این نوع حکومت پیش از ورود به عصر مدرن بود. این نظام در اصل باکوئو (bakufu / 幕府) نامیده می‌شود. باکوئو برگردان واژه باکوئو: چادر فرمان‌دهی سامورایی‌ها در زمان جنگ به فرمان‌دهی شوگون (سپه‌سالار) است که از آن به نظام شوگونئی یا حکومت طبقه سامورایی به فرمان‌دهی شوگون نیز یاد می‌شود.

۳. همه نام‌های ژاپنی ذکر شده در این متن به شیوه مرسوم و مورد تأکید ژاپنی‌ها به ترتیب نام خانوادگی و سپس نام آمده است.

۴. کنفوسیوس (به زبان چینی «کونگ فوزی») نظریه پرداز سیاسی و عالم چینی متولد ۵۵۱ پیش از میلاد است. تمدن ژاپن در بسیاری از حوزه‌های فرهنگی و دینی متأثر از چین است؛ به‌ویژه تفسیر ژاپنی آموزه‌های کنفوسیوس در دوره ادو به واسطه علمای این آیین، در قالب یک ایدئولوژی، راه‌نمای سیاست‌مداران حکومت توکوگاوا بود.

بررسی و نقد کتاب 近世の三大改革 ... (علی گل محمدی) ۳۲۳

۵. برای مطالعه بیش تر، بنگرید به گل محمدی، علی (۱۳۹۶)، «نقش صندوق عرایض در عرصه سیاست‌گذاری ژاپن پیشامدرن»، فصل‌نامه علمی پژوهشی سیاست‌گذاری عمومی، س ۳، ش ۳.
۶. نام قدیم شهر توکیو، پایتخت کنونی ژاپن که مقر سیاسی نظام شوگون‌نوی خاندان توکوگاوا بود و هم‌چنین دوره حاکمیت آن‌ها نیز به همین نام نامیده می‌شود.
۷. کشور پادشاهی ریوکیو (۱۴۲۹-۱۸۷۹) متشکل از جزایری به همین نام (از جمله جزایر اوکیناوا) در جنوب ژاپن.
۸. البته این پنج دوران به بعد از آغاز کتابت در ژاپن اختصاص دارند و می‌توان دوره‌های پیشاتاریخی «جومون» و «یایویی» را نیز به این تقسیم‌بندی افزود.
۹. جدای از نظر بیتو ماساهیده درباره کین‌سی (دوره مدرن آغازین) به‌عنوان نظر مختار در این‌جا، دو دیدگاه دیگر درباره این دوره به این شرح است: الف) دیدگاهی که آغاز کین‌سی را از زمان زوال کامل خاندان تویوتومی (اوایل دوره توکوگاوا) در نظر می‌گیرد و ب) دیدگاهی که کین‌سی را شامل سه دوره سین‌گکو، آزوچی مومویاما، و ادو می‌داند.

## کتاب‌نامه

- اسپریگنز، توماس (۱۳۹۲)، *فهم نظریه‌های سیاسی*، ترجمه فرهنگ رجایی، تهران: آگاه.
- عباسی، مسلم و نرگس تاجیک (۱۳۹۱)، «امکانات رویکرد میان‌رشته‌ای در بررسی شکل‌گیری اندیشه‌های سیاسی»، فصل‌نامه علمی - پژوهشی *مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، س ۵، ش ۱.
- گلشنی، علی (۱۳۸۷)، «فهم فلسفی و تاریخی اندیشه سیاسی براساس تلفیقی از نظرات اسکینر، اکشاف و اسپریگنز»، *دوماه‌نامه علمی - پژوهشی نامه مفید*، س ۱۴، ش ۶۸.
- گل محمدی، علی (۱۳۹۶)، «نقش صندوق عرایض در عرصه سیاست‌گذاری ژاپن پیشامدرن»، فصل‌نامه علمی - پژوهشی *سیاست‌گذاری عمومی*، س ۳، ش ۳.

Bitō, Masahide 尾藤 正英 (2006), *Edo jidai to wa nanika 江戸時代とわなにか*, Tokyo: Iwanami Shoten 岩波書店.

Ehlers, Maren Annika (2014), "Benevolence, Charity, and Duty: Famine Relief and Domain Society during the Tenmei Famine", *Monumenta Nipponica*, vol. 69, no. 1, Stable URL: <<https://www.jstor.org/stable/43864632>>.

Fujita, Satoru 藤田 覚 (2002), *kinsei no sandai kaikaku 近世の三大改革* (Nihonshi Ribureto no. 48 日本史リブレット, 48), Tokyo: Yamakawa Shuppansha 山川出版社.

McClain, James L. and Wakita Osamu (1994), *Edo and Paris: Urban Life and the State in the Early Modern Era*, Cornell University Press.

*Ryugakusei no Tame no Nihonshi* 留学生のための日本史 (2004), Tōkyō gaikokugo daigaku ryūgakusei kyōiku kyōzai kaihatsu sentā-hen 東京外国語大学留学生教育教材開発センター編: Yamakawa Shuppansha 山川出版社.

Tokugawa, Tsunenari (2007), *The Edo Inheritance*, Tokyo: PHP Kenkyujo.

Takano, Toshihiko 高埜利彦著 (2001), *Edo bakufu to chōtei* 江戸幕府と朝廷, (Nihonshi Ribureto no. 36 日本史リブレット, 36), Tokyo: Yamakawa Shuppansha 山川出版社.